

بررسی انتقادی معاشرت‌پژوهی در میراث اسلامی و آثار معاصران (کاستی‌ها و راهکارها)

علی مدبر اسلامی*

چکیده

پژوهش‌ها و نگاشته‌ها درباره اخلاق و آداب معاشرت، کاستی‌هایی دارند که با بررسی انتقادی شماری از نوشته‌های موجود در میراث اسلامی از سده‌های سوم تا ششم هجری و شماری از آثار نویسندگان معاصر، می‌توان به آن‌ها دست یافت. در این جستار، به اختصار به این کاستی‌ها پرداخته می‌شود. کاستی‌های یادشده در دو دسته قرار می‌گیرند: دسته نخست در محور پژوهش آداب معاشرت و در هفت حوزه قابل طرح است: ۱. اصطلاح‌پژوهی معاشرت؛ ۲. استناد به قرآن و سنت؛ ۳. سندپژوهی روایات بیانگر آداب معاشرت؛ ۴. تحلیل‌های علمی آموزه‌های معاشرت؛ ۵. رویکرد فقهی به آداب معاشرت؛ ۶. همگونی سرفصل‌ها؛ و ۷. مسائل مستحدث آداب معاشرت. دسته دوم در مدار چگونگی عرضه اطلاعات پژوهش شده و در دو عرصه مطرح می‌شوند: ۱. طبقه‌بندی اطلاعات؛ و ۲. توجه به قالب دایرةالمعارفی در عرضه اطلاعات. به تناسب کاستی‌های یادشده و برای رفع آن‌ها، چند راهکار و محور پژوهشی نیز به پژوهشگران و نگارندگان حوزه معارف و آموزه‌های معاشرت پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معاشرت، معاشرت‌پژوهی، میراث اسلامی، کاستی پژوهشی.

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. (a.modabber@isca.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۱۳

گستره و پیشینه پژوهش

درباره اخلاق و آداب معاشرت اسلامی، افزون بر آنچه مفسران قرآن کریم در تفسیر آیات بیانگر آموزه‌های اخلاق و آداب معاشرت بیان کرده‌اند و همچنین افزون بر نکات قرآنی مستفاد از روایات گردآوری شده در «کتاب العشره» های جوامع روایی، آثار فراوانی با عنوان «اخلاق معاشرت» یا «آداب معاشرت» یا عناوین مشابه نگاشته شده‌اند که در این پژوهش برای نمونه، شماری از نگاشته‌های موجود در میراث اسلامی (سده‌های سوم تا ششم هجری) و شماری از نگاشته‌های معاصران بررسی شده‌اند. به توضیحی کوتاه درباره برخی از آثار پژوهش شده می‌پردازیم.

۱. **الكافی**، اثر شیخ ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ملقب به کلینی رازی (قرن سوم). وی که در نیمه دوم قرن سوم هجری می‌زیست و در سال ۳۲۸ (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۳۶) یا ۳۲۹ قمری (نجاشی، ۱۴۱۸: ۷۲۶) وفات یافت، در جلد دوم **اصول کافی** که از برجسته‌ترین جوامع روایی شیعه امامیه است، روایات اخلاق و آداب معاشرت را آورده است. جلد دوم **اصول کافی** که احادیث آن، صبغه اخلاقی دارند، مشتمل بر چهار کتاب است: کتاب الایمان و الکفر، کتاب الدعاء، کتاب فضل القرآن، و کتاب العشره. اگر در یک تقسیم‌بندی، گستره موضوعات اخلاقی را در محورهای اخلاق بندگی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی (از جمله اخلاق خانواده) محصور کنیم، کتاب العشره، در بخش چهارم واقع شده و احادیث بیان‌کننده آداب و حقوق معاشرت را طی سی «باب» در «کتاب العشره» آورده است.

۲. **کتاب آداب الصحبة و حسن العشرة**، اثر ابو عبد الرحمن محمد بن حسین سلمی (آزدی نیشابوری) (قرن چهارم). او در سال ۳۲۵ یا ۳۳۰ قمری در شهر نیشابور زاده شد و در سال ۴۱۲ قمری از دنیا رفت. وی که از سران جنبش تصوف در قرن چهارم قمری به شمار می‌رود، در **اصول اشعری و در فروع**، پیرو مکتب شافعی بود (احمدپور، ۱۳۸۵: ۱۷۱؛

و بابایی، ۱۳۸۶: ۴۶/۲). بنا بر روایت سرگذشت‌نویسان، سلمی بیش از صد کتاب و رساله نوشته است که بیشتر آن‌ها از میان رفته‌اند (پورجوادی، ۱۳۶۹: ۳۳/۲-۳۴؛ و احمدپور، ۱۳۸۵: ۱۷۷). نصرالله پورجوادی پانزده اثر او از جمله کتاب *آداب الصحبة و حسن العشرة* را در دو جلد به نام مجموعه *آثار ابو عبد الرحمن سلمی* آورده و در سال ۱۳۶۹ ه.ش. منتشر کرده است (سلمی، بی تا: ۶۱/۲-۶۲؛ و بابایی، ۱۳۸۶: ۴۶/۲).

کتاب سلمی که در مجموعه آثار او به چاپ رسیده (پورجوادی، ۱۳۶۹: ۳۱/۲-۳۲) از کهن‌ترین آثار دانشمندان اسلامی در زمینه آداب معاشرت است که در آن بیش از نود ادب از آداب معاشرت و اصول رفتار اجتماعی را با تعبیر «وَمِنْ آدَابِهَا...» و با زبانی نزدیک به فهم عامه بیان کرده است (همان: ۳۷/۲).

۳. کتاب *آداب الألفة و الأخوة و الصحبة و المعاشرة مع أصناف الخلق*، اثر ابو حامد محمد بن محمد غزالی (قرن پنجم). وی از اکابر علمای شافعی بود که در سال ۴۵۰ یا ۴۵۱ قمری در طوس متولد شد. بیش از چهارصد کتاب و رساله به او منتسب است که از این میان، حدود هفتاد اثر، از جمله، کتاب *احیاء علوم الدین* قطعاً متعلق به اوست (غزالی، بی تا: ۱۳۹/۵؛ و احمدپور، ۱۳۸۵: ۳۶۳-۳۶۴). بی تردید کتاب *احیاء علوم الدین* مهم‌ترین تألیف اخلاقی غزالی و مشهورترین کتاب اخلاقی در جهان اسلام است (احمدپور، ۱۳۸۵: ۳۸۰). راهبرد غزالی در کتاب *احیاء*، تقریب مواضع تصوف و شریعت به یکدیگر است (همان). *احیاء* چهار بخش دارد و هر بخش ذیل عنوان «ربع» مشتمل بر ده کتاب است و در مجموع چهل کتاب را در خود جای داده است. بخش‌های چهارگانه کتاب *احیاء علوم الدین* عبارتند از: ربع العبادات، ربع العادات، ربع المهلکات و ربع المنجیات (همان: ۳۷۰). ربع العادات شامل ده کتاب، از جمله کتاب *آداب الصحبة و المعاشرة مع أصناف الخلق* درباره اخلاق و روابط اجتماعی است (همان: ۳۷۱).

۴. *اخلاق ناصری*، اثر خواجه نصیرالدین طوسی (قرن ششم). وی حکیم، ریاضی‌دان و منجم و از بزرگ‌ترین عالمان شیعه اثناعشری در قرن ششم قمری بود که در شهر طوس در سال ۵۹۷ به دنیا آمد (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۴-۱۵، مقدمه).

کتاب *اخلاق ناصری* وی که نگارش آن در سال ۶۳۲ قمری پایان یافت (همان: ۳۴۴)، همانند کتاب *احیاء علوم الدین* غزالی (غزالی، بی تا: ۹۳۰-۹۹۱)، اخلاق معاشرت را در دو بخش بیان کرده است: چگونگی معاشرت با دوستان، و چگونگی معاشرت با اصناف مردمان. کتاب *اخلاق ناصری* وی مشتمل بر سه مقالت و سی فصل است: مقالت اول در تهذیب اخلاق؛ مقالت دوم در تدبیر منزل؛ مقالت سیم در سیاست مدن. در مقاله سوم، هشت فصل آورده که عنوان فصل ششم «در فضیلت صداقت و کیفیت معاشرت با اصدقا» و عنوان فصل هفتم «در کیفیت معاشرت با اصناف خلق» است (طوسی، ۱۳۶۹: ۳۲۱-۳۴۴).

۵. *مفاتیح الحیات*، اثر آیت الله جوادی آملی (معاصر). این کتاب گرچه عنوان «اخلاق معاشرت» ندارد، دربردارنده آموزه‌های معاشرتی و از بهترین نگاشته‌ها در این زمینه است. این کتاب به عنوان تکمله‌ای بر کتاب *ارجمند مفاتیح الجنان* حاج شیخ عباس قمی نوشته شده و در سخن ناشر آن چنین آمده است: «استاد، علامه آیت الله جوادی آملی - دام ظلّه - با اشراف همه‌جانبه به منابع و حیانی و با بهره‌وری کامل از کتاب و سنت و همچنین عقل برهانی و نیز با ژرف‌بینی خاص به این ایده تفضّل دادند که همان‌طور که محدث بزرگ روزگار ما جناب حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه با اثر ماندگار و سودمندش *مفاتیح الجنان*، راه سلوک بندگان و ارتباط انسان با خدا را از طریق انجام دادن اعمال عبادی در سه بخش نماز، دعا و زیارات و بهره‌مندی از ثواب و پاداش آن‌ها هموار کرد، کتابی دیگر لازم است که جلد دوم و مکمل آن شمرده شود و شئون دنیایی، به‌ویژه امور اجتماعی بندگان را نیز با همان رویکرد، با آموزه‌های و حیانی مرتبط سازد... از این رو، این کتاب، *مفاتیح الحیات* نام یافت (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲).

مفاتیح الحیات دارای پنج بخش اصلی است و بخش دوم آن با عنوان «تعامل انسان با هموعان» طی شش فصل به تبیین آموزه‌های معاشرتی پرداخته و چگونگی تعامل با خویشاوندان، همکیشان، بیگانگان، مستضعفان، مهاجمان و دشمنان، و شهروندان (همسایگان، دانشمندان، همکاران، بیماران، مردگان، مصیبت‌دیدگان، مهمانان، مجاهدان، کودکان، جوانان، سالمندان، یتیمان، فقیران، مددجویان، و مسافران) را بیان کرده است

(جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۰۷-۴۳۲). مصادیق دانشمندان عبارتند از استادان و شاگردان؛ و مصادیق مددجویان نیز عبارتند از قرض‌داران، سائلان، در راه‌ماندگان، پناهندگان، زندانیان، اسیران، آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی، معلولان جسمی و ذهنی.

۶. اخلاق در قرآن، اثر آیت‌الله مصباح یزدی (معاصر). آیت‌الله مصباح مجموعه معارف قرآن را در ده بخش طبقه‌بندی کرده و هفتمین بخش آن را به مباحث اخلاق قرآنی اختصاص داده است (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱-۳ و ۱۴-۱۶) که با عنوان «اخلاق در قرآن» در سه جلد چاپ و منتشر شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸). وی مباحث اخلاق قرآنی (مسائلی که محور آن‌ها را روابط اجتماعی انسان با دیگران تشکیل می‌دهند) را در سه دسته اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی، دسته‌بندی کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۵/۳). اخلاق الهی همراه مباحثی از فلسفه اخلاق در جلد نخست و اخلاق فردی در جلد دوم و اخلاق اجتماعی در جلد سوم کتاب قرار گرفته است. جلد سوم، سیزده فصل دارد و عنوان نهمین فصل آن «آداب معاشرت» است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳/۲۴۵-۲۸۲).

۷. معاشرت، اثر استاد حسین انصاریان (معاصر). این کتاب، فصل‌بندی منظم و مشخصی ندارد و مباحث اصلی آن درباره ارزش رفاقت صحیح، همنشینان پاک و ناپاک، دوستی و معاشرت با اهل بیت علیهم‌السلام، همنشینی با بندگان صالح، حقوق رفاقت و معاشرت، و الگوهای والای معاشرت است. اثر دیگر ایشان کتاب *عرفان اسلامی* در پانزده جلد است که در بردارنده برخی آموزه‌های معاشرتی است.

برخی پژوهش‌ها و نگاشته‌ها درباره اخلاق و آداب معاشرت، گرچه هم پیشینه‌ای کهن دارند، هم پرشمارند، از کاستی‌هایی جدی رنج می‌برند که بر شماری و تبیین آن‌ها می‌تواند بسترساز پیراستگی پژوهش‌های پسین از این کاستی‌ها در موضوع معاشرت باشد. برای رفع کاستی‌های یادشده، باید شاخص‌های محتوایی و ساختاری پژوهش را در آن‌ها به دقت رعایت کرد.

برخی از شاخص‌های محتوایی عبارتند از: مفهوم پژوهی لغوی و اصطلاحی؛ تحلیل‌های لازم علمی؛ مدلل کردن مدعاها؛ سند پژوهی روایات؛ ترجمه دقیق متون عربی؛ توضیح و

تبيين مطالب دشوارفهم؛ برخوردارى از عناوين موجز و در عين حال رسا و مطابق با مُعَنون؛ و جامعيت و مانعيت مباحث.

نمونه‌هايى از شاخص‌هاى ساختارى نيز عبارتند از: طبقه‌بندى دقيق اطلاعات كه در قالب فصل‌بندى منسجم و دفاع‌پذير، خودنمايى مى‌كند؛ بهره‌مندى از نثر علمى و روزآمد و رعايت اصول و قواعد نگارش؛ مشخص كردن منقولات؛ مستند كردن همه منقولات و مطالبى كه صبغه نقلى دارند؛ رعايت استانداردهاى لازم در ارجاعات، مانند ارجاع به منابع دست اول و متقن و تخصصى و برخوردارى از فهارس فنى، به‌ويژه فهرست منابع. بر اين اساس، كاستى‌هاى آثار بررسى شده در اين مقاله، در دو محور قابل بررسى‌اند: محور نخست، «پژوهش آداب معاشرت»؛ و محور دوم در «ارائه اطلاعات پژوهش شده» كه به تبيين هر دو محور مى‌پردازيم.

محور نخست: كاستى‌ها در پژوهش آداب معاشرت

به اجمال به برخى كاستى‌هاى پژوهشى در نگاهته‌هاى معاشرت‌محور اشاره مى‌كنيم.

۱. كاستى در اصطلاح‌پژوهى «معاشرت»

واژگاني كه در متون دينى اسلام (قرآن كريم و روايات معصومان عليه‌السلام) به كار رفته‌اند، از يك سو نيازمند مفهوم‌پژوهى لغوى و اصطلاحى در جوامع لغوى و منابع واژه‌پژوهى‌اند؛ و از سوى ديگر، نيازمند اصطلاح‌پژوهى دينى؛ زيرا دين براى برخى واژگان و موضوعات، تعريفى متفاوت با تعريف لغوى و اصطلاحى رايج دارد و از اين رو، بايد تعريف دين را بررسى كرد كه از مهم‌ترين مراحل معناشناسى است.

از كاستى‌هاى پژوهشى در نگاهته‌هاى معاشرت‌محور، اين است كه مفهوم‌شناسى دقيقى از واژه «معاشرت» انجام نگرفته تا مقومات و گوهر معنای این واژه شناخته شود و تفاوت معنایی واژه «معاشرت» با مفاهيمى همچون «أخوت» (برادرى) و «حُلت» (دوستى) روشن شود؛ همچنين تعريفى دقيق از تعبيرهاى «آداب معاشرت» و «اخلاق معاشرت» صورت نپذيرفته، تا بر اساس آن، «اخلاق و آداب معاشرت» كه در جوامع روايى به تفصيل و در ده‌ها باب آمده‌اند (كلينى، ۱۳۷۵: ۲/۶۳۵-۶۷۴) با «حقوق برادرى» كه در روايات پرشمارى تبيين

شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۶/۷۴) مرزبندی شود.^۱ ثانیاً معلوم شود که این تعریف تا چه اندازه و تا کجا سطوح گوناگون معاشرت (معاشرت با دوستان و همنشینان، همسایگان نزدیک و دور، فروشندگان و بازاریان، ارباب رجوع در ادارات و مؤسسات، همسفران، گردشگران داخلی و خارجی و...) را در بر می‌گیرد. ثالثاً تفاوت «اخلاق معاشرت» با «اخلاق اجتماعی» روشن شود.

درباره رابطه «آداب معاشرت» با «اخلاق اجتماعی»، این پرسش، پاسخ نیافته که «آیا همه آنچه در باب اخلاق اجتماعی مطرح است، جزو اخلاق معاشرت نیز به شمار می‌آید و نسبت میان این دو تساوی است، یا نسبتی دیگر میان این دو وجود دارد».^۲ ابهام یادشده موجب شده مباحثی که نویسندگان اخلاق و آداب معاشرت در کتب خود آورده‌اند، بسیار متفاوت و ناهمگون باشند که در بند مربوط به ناهمگونی سرفصل‌ها از آن بحث خواهد شد. گفتنی است که در جوامع لغوی عربی و منابع واژه‌پژوهی قرآنی نیز در معنای معاشرت و عِشرت، اغلب آن را با دو واژه «مخالطه» و «مداخله» معنا کرده‌اند؛ چنان‌که ابن فارس می‌گوید: «واژه معاشرت بر ورود و آمیختن دلالت دارد» (ابن فارس، بی‌تا: ۳۲۴/۴). مصطفوی نیز می‌گوید: «اصل واحد در این ریشه، همراهی کسانی [با یکدیگر] است که امورشان درهم آمیخته است» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۳۸/۸). در فرهنگنامه‌های فارسی نیز که بیشتر به تبیین معنای اصطلاحی آن پرداخته‌اند، به معنای «ارتباط، دوستی و رفت‌وآمد داشتن با کسی» (انوری، ۱۳۸۱: ۷۱۲۶/۷) آمده است. زمخشری نیز درباره آن می‌گوید:

۱. به نظر می‌رسد برادری اعم از معاشرت است؛ زیرا به صرف ایمان، مؤمنان با یکدیگر برادرند و لازم است حقوق برادری را درباره یکدیگر رعایت کنند؛ چه با یکدیگر معاشرت داشته باشند، یا نداشته باشند.

۲. به نظر می‌رسد میان این دو، نسبت تساوی نیست، بلکه «اخلاق اجتماعی» اعم از «آداب معاشرت» است، زیرا چنان که در مفهوم‌شناسی واژه معاشرت در متن مقاله آمده، درهم آمیختگی (مخالطه) در گوهر معنای معاشرت نهادینه شده است؛ همچنین در فرهنگنامه‌های فارسی تعبیر «دوستی و رفت و آمد داشتن با کسی» آمده که نشان می‌دهد هرگونه رابطه اجتماعی محدوده آداب معاشرت نیست. پس فقط آن دسته از روابط اجتماعی که همراه درهم تنیدگی روابط باشد، محدوده آداب معاشرت است.

«عَاشِرَةٌ: زندگانی کرد باو [با او]، نیکو زیست با وی؛ و هی العِشْرَةُ زندگانی خوش؛ و هو العِشِيرُ، هم‌عشرت، یاری که با او دوستی کند الْمُعَاشِرُ» (زمخسری، ۱۳۸۶: ۲۲۷). غزالی نیز در کتاب *احیاء علوم الدین* گاه از «آداب معاشرت» به «آداب المخالطة» یاد می‌کند (غزالی، بی تا: ۹۹۳/۲). روشن است که تبیین‌های یادشده گره‌گشایی چندانی از معنای واژه «معاشرت» ندارند و لازم است در این باره پژوهشی گسترده و عمیق‌تر انجام شود.

۲. کاستی در استناد به متون و منابع دینی

از دیگر کاستی‌های نگاشته‌ها درباره اخلاق و آداب معاشرت، ضعف در مستند کردن آموزه‌های معاشرت به آیات قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ و آموزه‌های عترت پاک آن حضرت است. در قرآن کریم افزون بر این که در آیاتی از سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال و توبه، آموزه‌های معاشرت خانوادگی و اجتماعی آمده‌اند، در برخی سوره‌ها مانند سوره‌های نور، حجرات و طلاق، صبغه و رویکرد غالب آن‌ها تبیین اخلاق و آداب معاشرت است که در مباحث گوناگون اخلاق و آداب معاشرت می‌توان به آن‌ها استناد کرد. تفاسیر قرآن کریم نیز، به ویژه تفاسیری که رویکرد و گرایش اخلاقی و تربیتی یا صبغه اجتماعی دارند، مباحث ارزش‌مندی را در تفسیر آیات و سوره‌های یادشده آورده‌اند که منابع ارزش‌مندی در معاشرت پژوهی‌اند؛ چنان‌که دو تفسیر *گران سنگ المیزان* اثر علامه سیدمحمدحسین طباطبایی^۱ و *تسنیم* اثر علامه جوادی آملی مباحث قرآنی فراوانی را در تفسیر آیات بیانگر آداب و اخلاق معاشرت خانوادگی و اجتماعی آورده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۶۴/۵، «معاشرت محسنانه»؛ ۱۳۸۵ الف: ۷۳/۱۱، «معاشرت مصلحانه با یتیمان»؛ ۱۳۳۳/۱۷ و ۱۳۸۸: ۱۶۰/۱۸، «معاشرت نیکو با زن»)

۱. ر.ک: علامه طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، اعلمی، بیروت، ج ۴ صص ۲۵۵-۲۵۶ و ج ۱۸ صص ۳۰۴-۳۳۵.

بررسی استنادات قرآنی و روایی نگاشته‌ها دربارهٔ آداب معاشرت

سَلْمَى که هم از مفسران قرآن است و تفسیری به نام *حَقَائِقُ التَّفْسِيرِ* دارد، هم از محدثان به شمار می‌رود (احمدپور، ۱۳۸۵: ۱۷۱) گرچه در تبیین آداب معاشرت، استنادهایی به برخی آیات قرآن کریم و سخنان رسول اکرم ﷺ و گاه امامان اهل بیت دارد^۱، در عین حال، در مواردی هیچ استنادی به آیات قرآن و روایات رسول اکرم ﷺ ندارد، بلکه برای مدلل و مستند کردن سخنان خود، از سخنان حکام و رهبران و اندرزهای فلاسفه و حکما و اشعار شاعران و سخنان زهاد و مشایخ صوفیه، بهره فراوان برده است (همان: ۳۹/۲، ۷۶-۷۷، ۸۰-۸۱ و ۹۸)، چنان‌که در بندی با عنوان «وَمِنْ آدَابِ الْعِشْرَةِ قَلَّةُ الْخِلَافِ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ لُزُومُ مُوَافَقَتِهِمْ فِيمَا يُبِيحُهُ الدِّينُ وَ الشَّرِيعَةُ: از آداب معاشرت، کم مخالفت کردن با برادران و لزوم هماهنگی با آنان در دایرهٔ مباحات دین و شریعت است»، تنها استناد او به گفتهٔ اباعثمان حیری است که گفته است: «مُؤَافَقَةُ الْإِخْوَانِ خَيْرٌ مِنَ الشَّفَقَةِ عَلَيْهِمْ: هماهنگی با برادران، از مهربانی با آنان بهتر است» (همان: ۷۰/۲). سَلْمَى گاه برای تبیین ادبی از آداب معاشرت، ابایی ندارد که تنها استناد او به گفتهٔ یک اعرابی (عرب بیابانی) باشد؛ مانند «وَمِنْ آدَابِهَا تَرْكُ الْوَقِيعَةِ فِي الْإِخْوَانِ. حُكِيَ أَنَّ أَعْرَابِيًّا سَمِعَ رَجُلًا يَقَعُ فِي النَّاسِ فَقَالَ...» (همان: ۱۰۶/۲)؛ همچنین در یک بند، تنها عنوان ادبی از آداب معاشرت را یاد کرده و نه تنها هیچ سند قرآنی یا روایی ارائه نکرده، هیچ توضیحی نیز نداده و به یادکرد عنوان بسنده کرده است: «وَمِنْ آدَابِهَا بِشَاشَةُ الْوَجْهِ وَ لُطْفُ اللِّسَانِ وَ سَعَةُ الْقَلْبِ وَ بَسْطُ الْيَدِ وَ كَظْمُ الْعَيْظِ وَ إِسْقَاطُ الْكِبْرِ وَ مُلَازِمَةُ الْحُرْمَةِ وَ إِظْهَارُ الْفَرْحِ بِمَا رَزَقَ مِنْ عِشْرَتِهِ وَ إِخْوَانِهِ» (همان: ۷۳/۲). گاهی نیز ذیل عنوانی به آوردن چند بیت شعر بسنده کرده است؛ مانند «وَمِنْ آدَابِهَا الْإِغْضَاءُ عَنِ الصَّدِيقِ فِي بَعْضِ الْمَكَارِهِ» (همان: ۷۹/۲-۸۰).

۲. ر.ک: پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۹)، *مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی*، «کتاب آداب الصحبة و حسن العشرة»، نشر دانشگاهی تهران، ج ۲ صص ۷۵، ۹۱، ۱۰۴ و ۱۱۳.

خواجه نصیرالدین طوسی در دو فصل ششم و هفتم کتاب/اخلاق ناصری که محور آن‌ها آداب معاشرت است، گرچه تعالیم معاشرتی مُلهم از آموزه‌ها و معارف قرآن و عترت علیهم‌السلام را ارائه کرده است، هیچ استنادی به آیات قرآن کریم و روایات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام ندارد. البته گاه به دلالت عقل استناد می‌کند، چنان‌که در فصل هشتم می‌نویسد: «و تلفظ به دشنام و لعنت و تعرض أعراض دشمنان، بغایت مذموم بود و از عقل دور؛ چه این افعال، به نفوس و اموال ایشان مضرتی نرساند و نفس و ذات مرتکب را فی الحال مضر بود که هم به سفها تشبه کرده باشد و هم خصوم را مجال دراززبانی و تسلط داده» (طوسی، ۱۳۶۹: ۳۳۷). دیگر آثار پژوهش شده در این مقاله از این نظر، کاستی چشمگیری ندارند، چنان‌که در کتاب مفاتیح الحیات در ابتدای هر مبحث اشاره‌ای به معارف قرآنی متناسب با آن مبحث شده و سپس به بحث‌هایی روایی پرداخته شده است. /اخلاق در قرآن آیت‌الله مصباح یزدی نیز از نظر استناد به آیات قرآن کاستی قابل توجهی ندارد و مستند نکردن آموزه‌های معاشرت به روایات در این کتاب نیز از این روست که موضوع کتاب، بررسی معارف قرآن است.

۳. بی‌توجهی به سندپژوهی روایات معاشرت

روایات بیانگر آداب و اخلاق معاشرت، همچون روایات فقهی، دارای سلسله سند هستند و همچون روایات فقهی باید دارای اعتبار باشند. بر این اساس، هم منابع معاشرت‌پژوهی شیعی و هم اهل سنت، نیازمند سندپژوهی‌اند؛ بر این اساس، در منابع شیعی، اولاً باید بررسی شود سلسله سند از آخرین راوی تا معصوم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به هم پیوسته است، یا در زنجیره سند سقط و افتادگی وجود دارد. ثانیاً باید معلوم شود یکایک روایانی که نامشان در سلسله سند یاد شده، امامی، عادل و ثقه (مورد وثوق و قابل اعتماد و راستگو) هستند یا ضعیف، مجهول و ... تاکنون نه در آثاری که قدما و متأخران درباره آداب معاشرت نگاشته‌اند و نه به شکل مستقل، پژوهشی جامع درباره رجال سند روایات بیانگر آداب و اخلاق معاشرت انجام نگرفته است.

گفتنی است که توسعه سندشناسی علمی و فنی روایات، از عرصه روایات فقهی به دیگر عرصه‌ها، مانند روایات اعتقادی، روایات اخلاقی و روایات تفسیری، از بایسته‌های پژوهشی

حوزه‌های علوم دینی است که برخی بزرگان حوزه در این زمینه پیشگام بوده و آثار ارزش‌مندی را عرضه کرده‌اند؛ چنان‌که علامه جوادی آملی با این ایده که روایات تفسیری موجود در کتب تفسیر روایی مانند نور الثقلین و کنز الدقائق و البرهان فی تفسیر القرآن همچون روایات بیانگر احکام فقهی باید بررسی‌سندی شوند و به موازات بررسی رجال فقهی (رجال سند روایات فقهی) در فقه، باید رجال تفسیری (رجال سند روایات تفسیری) نیز بررسی شوند، به پژوهشی در این زمینه اقدام کرده و اثر فاخر و ارزش‌مند رجال تفسیری را به جامعه علمی عرضه کرده که مرکز نشر اسراء مجلداتی از آن را منتشر کرده است.^۱ آیت‌الله جوادی آملی درباره این ایده چنین می‌نویسد: «به برکت تلاش و کوشش علمای بزرگ (رضوان الله علیهم) در بخش روایات فقهی، هم از جهت رجال، هم به لحاظ درایه بسیار پیشرفت شده است و مشابه همین کار باید درباره روایات تفسیری، روایات مقتل، روایات تاریخ و روایات اخلاق انجام شود» (جوادی آملی: ۱۳۹۸: ۵۰، در آستانه انتشار).

در میان آثار بررسی‌شده، تنها اثری که افزون بر ارائه ترجمه دقیق و رسا از روایات بیانگر آداب معاشرت به سندپژوهی روایات یادشده نیز پرداخته (گرچه بررسی‌های سندی در کتاب نیامده‌اند)، کتاب *مفاتیح الحیات* علامه جوادی آملی است. در سخن‌ناشر کتاب، در این باره چنین آمده است: «اغلب روایات این اثر، معتبرند و برخی از آن‌ها بر مبنای تسامح در ادله سنن مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ در همان حال، از آوردن نقل‌هایی که با اصول عقلی و نقلی معارف اسلامی هماهنگ نیست، پرهیز شده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۳).

۴. کاستی در تحلیل‌های علمی

۱۵۷

بسیاری از آموزه‌های قرآنی و حدیثی معاشرت، با آن‌که ظرفیت تحلیل علمی دارند و تحلیل‌های یادشده می‌توانند جنبه‌های ناشناخته برخی معارف اسلامی را روشن کنند و

۱. گفتنی است که چون این اثر ارزشمند به پایان نرسیده، نتیجه پژوهشی آن در تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی رعایت نشده است و امید می‌رود پس از تکمیل مجلدات کتاب رجال تفسیری و در ویرایش بعدی تفسیر تسنیم، این مهم تحقق پذیرد.

اهانت‌کننده گستاخ گفت این دشنام را به شما دادم، آن حضرت با نهایت بزرگواری فرمودند: من هم از تو گذشتم: «اسْتَطَالَ رَجُلٌ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَتَغَافَلَ عَنْهُ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: إِيَّاكَ أَعْنِي، فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: وَ عَنْكَ أَعْضِي» (اربلی، ۱۴۰۵: ۱۰۱/۲)؛ «سَبَّه عليه السلام رَجُلٌ فَسَكَتَ عَنْهُ فَقَالَ: إِيَّاكَ أَعْنِي، فَقَالَ عليه السلام: وَ عَنْكَ أَعْضِي» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۶/۴۶).

ج) برخی کارها با این که مباحند و انجام دادن آن‌ها نه حرمت دارد و نه حتی کراهت، ممکن است مایه رنجش ما را فراهم آورند که این جا نیز می‌توانیم افزون بر این که رنجش خود را اظهار نکنیم، تغافل کنیم و آن را ندیده بگیریم؛ چنان‌که علامه جوادی آملی می‌گوید: «مدار مدارا، یا مباحات جایی است که تغافل، تجاهل، اغماض و گذشت روا باشد؛ یعنی منطقه الفراع» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵۲/۲-۵۳).

د) چنانچه مسلمانی از روی سهو، غفلت، اضطراب، اکراه و اجبار کاری کند که فی نفسه و بدون در نظر گرفتن عناوین یادشده (عناوینی که در حدیث رفع (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۵۰) آمده‌اند) گناه و خطا به شمار می‌آید، از موارد و مصادیق تغافل است و در این گونه موارد تغافل اثر مثبت و سازنده دارد.

ه) با توجه به موارد و مصادیق یادشده و با عنایت به این که امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین واجبات دینی و حافظ حقوق مردم (حق الناس) و حقوق خدا (حق الله) است، چنانچه امر به معروف و نهی از منکر با تغافل جمع‌پذیر نباشد، قطعاً تا هر جا که مرز امر و نهی است (بدین معنا که امر و نهی وجود داشته باشد)، نمی‌توان به بهانه ارزش‌مندی و اخلاقی بودن تغافل، از این واجب محوری و اساسی دینی دست برداشت و در برابر گناه تجاوز به حق مردم یا حق خدا سکوت کرد.

نمونه دوم: در کتاب *عرفان اسلامی* که برخی آموزه‌های معاشرت اسلامی را آمیخته با دیگر مباحث اخلاقی و عرفانی بیان کرده است، در باب ۸۵ که درباره «حُسن ظن» است (انصاریان، ۱۳۸۶: ۲۳۹/۱۲)، آیه دوازدهم سوره مبارک حجرات ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾ را نقل و ترجمه کرده (پیشین: ۲۴۶/۱۲) و بر اساس آموزه این آیه می‌نویسد: «آنان که نسبت به مردم بدگمانند، چه این گمان بد خود را اظهار

کنند یا ابراز ننمایند، از نظر شارع مقدّس، گنهکارند؛ و بدگمانی آنان نسبت به مردم در پرونده ایشان ثبت می‌شود و در میزان قیامت به محاسبه گذاشته خواهد شد» (پیشین: ۲۴۳/۱۲). با این‌که درباره آیه یادشده سه پرسش مهم مطرح است، هیچ‌گونه تحلیلی در کتاب در این باره انجام نشده است و تنها از گمان مطرح در آیه با تعبیر «گمان بد» یاد شده است. این پرسش‌ها عبارتند از:

(الف) مراد از گمانی که در این آیه مسلمانان به پرهیز از آن مأمور شده‌اند: ﴿كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾، گمان بد است یا هر گمانی؟؛ (ب) گمان، گونه‌ای از ادراک نفسانی است که بی‌اختیار برای نفس پدید می‌آید و بر این پایه نمی‌توان از آن نهی کرد؛ پس چرا در آیه مورد بحث از آن نهی شده است: ﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾؟؛ و (ج) چرا با این‌که گمان، اعم از گمان خوب یا بد، از مقوله ادراک است و ادراکات در اختیار آدمی نیستند، قرآن کریم بسیاری از گمان‌ها را گناه به شمار آورده است: ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِتْمٌ﴾؟

علامه طباطبایی در تفسیر همین آیه، به این سه پرسش چنین پاسخ داده است:

(الف) مراد از گمانی که در این آیه مسلمانان به پرهیز از آن مأمور شده‌اند، گمان بد است؛ و گرنه گمان خوب به آن سفارش هم شده است، چنان‌که در ماجرای افک، خدای سبحان به مسلمانان فرمود چرا وقتی آن بهتان را درباره همکیش خود شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق او که از خودشان به شمار می‌رفت، گمان نیک نبردند و نگفتند این، بهتانی آشکار است: ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا﴾ (نور/۱۲). تعبیر «ظَنَّ ... خَيْرًا» همان گمان نیک یعنی خوشبینی است.

(ب) مراد از «اجتناب از ظن» پرهیز [از خود ظن نیست، بلکه] از ترتیب اثر دادن به آن است؛ مانند این‌که کسی [مثلاً بر اثر بدگویی از برادر مؤمن نزد او] به برادر مؤمن خود بدگمان شود [و بر اساس این بدگمانی] او را متهم کند و [همان نسبت را که شنیده است] برای دیگران نیز نقل کند، یا اثر عملی دیگری بر گمانش مترتب کند؛ اما خود گمان از آن رو که گونه‌ای از ادراکات نفسانی است، امری است که بی‌اختیار و ناگهان برای نفس پدید می‌آید و بر این پایه نهی به آن تعلق نمی‌گیرد، مگر به برخی مقدمات اختیاری آن.

ج) بر اساس آنچه گذشت، گناه بودن برخی گمان‌ها از این روست که برخی از آثاری که بر آن مترتب می‌کنند، گناه است؛ گناهی مانند توهین به کسی که به او گمان بد برده‌ایم و نسبت دادن [همان شنیده‌ها] به او و دیگر آثار بد حرام» (علامه طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۸/۳۲۳).

۵. فقدان رویکرد فقهی به احادیث معاشرت

بسیاری از آموزه‌های قرآنی و حدیثی معاشرت، گرچه در تقسیم معارف دینی به سه حوزه عقاید، اخلاق، و فقه و حقوق، از یک نظر در حوزه اخلاق قرار می‌گیرند، از منظری دیگر، در حوزه فقه قرار گرفته و زیر پوشش احکام خمسۀ تکلیفیه (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) هستند و زمینه استنباط حکم فقهی (فتوا) دارند، درحالی‌که جز موارد بسیار اندک، همانند استحباب سلام کردن و وجوب جواب سلام، با رویکرد فقهی به آن‌ها نگریده نشده است. اگر چنین تعاملی با روایات اخلاق و آداب معاشرت بر اساس «تسامح در ادله سنن» نیز باشد، چنان‌که در برخی منابع به آن تصریح شده (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۳)، پذیرفته نیست؛ زیرا در برخی موارد، روایات معاشرت، گرچه در نگاه ابتدایی، به گونه‌ای ناهماهنگ هستند که جز فقیه مستنبط نمی‌تواند میان آن‌ها جمع و داوری کند و جای شگفتی است که برخی فقیهان بزرگوار این‌گونه موارد را به مقلدان ارجاع داده‌اند. در یکی از رساله‌های استفتائات در پاسخ این پرسش که «آیا بوسیدن دست استاد فقه جاز است؟ اصولاً روایات مربوط به موارد جواز بوسیدن دست و صورت را بیان فرمایید»، چنین پاسخ داده شده است: «بوسیدن دست استاد فقه جاز است، بلکه مستحب می‌باشد و در مورد روایات مربوط به بوسیدن دست و صورت به بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۳۷، حدیث ۳۴ تا آخر، و وسائل، ابواب العشره، باب ۱۳۳، و مستدرک، ابواب العشره، باب ۱۱۶، مراجعه کنید» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱/۴۹۴)؛ ارجاع مقلدان به کتب روایی در این‌گونه موارد که نیازمند استنباط مجتهدانه و همراه با روش مندی و به‌کارگیری صناعت خاص فقهی و ارائه نظر تخصصی و کارشناسی است، درست به نظر نمی‌آید.

به یک نمونه از رویکرد فقهی به روایات بیانگر آداب معاشرت اشاره می‌کنیم. یکی از آداب معاشرت، روبوسی (بوسیدن پیشانی یا گونه انسان مؤمن) است. روبوسی که از

مصادیق تحیت و از نشانه‌های دوستی مؤمنان با یکدیگر و عامل افزایش محبت و صمیمیت است، آدابی دارد که در روایات معصومان علیهم‌السلام بیان شده‌اند و برخی فقیهان با رویکرد فقهی بر اساس آن روایات فتوا داده‌اند. گفتنی است که بر اساس روایات یادشده، جای بوسیدن مؤمن، پیشانی (احسائی، ۱۴۰۳: ۴۳۶/۱؛ کلینی، ۱۳۷۵: ۱۸۵/۲؛ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷/۷۳) یا گونه‌اوست (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۸۶/۲) که در فرهنگ فارسی از آن به «روبوسی» یاد می‌شود؛ اما بوسیدن دست، سر و لب دیگری، مورد بحث و گاه اختلاف فقهی است. به برخی فتاوا درباره بوسیدن دیگری اشاره می‌کنیم.

الف) علامه محمدباقر مجلسی رحمته‌الله با استناد به برخی روایات، مانند روایت امام صادق علیه‌السلام که فرمودند بوسیده نمی‌شود سر و نیز دست کسی، جز دست رسول خدا یا کسی که از او قصد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شود: «لَا يُقَبَّلُ رَأْسُ أَحَدٍ وَلَا يَدُهُ إِلَّا يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أَوْ مَنْ أُرِيدَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۸۵/۲)، بوسیدن دست و سر را تنها درباره معصومان علیهم‌السلام و سادات و عالمان دینی روا دانسته است. وی می‌گوید: «مراد از «مَنْ أُرِيدَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ»، امامان اهل بیت علیهم‌السلام (مورد اجماعی) و سادات و عالمان (مورد اختلافی) است و در سخنان اصحاب ما تصریح به حرمت نیست»؛ آن‌گاه از برخی محققان نقل می‌کند که شاید مراد از این جمله، امامان معصوم علیهم‌السلام باشد، چنان‌که از حدیث بعدی برمی‌آید و احتمال دارد حکم، شامل عالمان و هدایتگران دینی باعمل نیز بشود، زیرا عالمان شایسته، وارثان پیامبران هستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸/۷۳). ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «محمتمل است که مخصوص ائمه معصوم علیهم‌السلام باشد و اظهر آن است که شامل سادات و علما نیز باشد؛ زیرا که تعظیم ایشان برای آن می‌کنند که فرزند آن حضرت یا حافظ علوم و مروج دین آن حضرتند و احوط آن است که به غیر دست پیغمبر و امام را نبوسند» (مجلسی، ۱۳۶۹: ۴۱۴).

ب) آیت‌الله تبریزی نیز درباره بوسیدن دست می‌گوید: «بوسیدن دست دیگری فی‌نفسه مکروه است، مگر آن‌که بوسیدن دست به خاطر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد؛ مثل بوسیدن دست عالم دینی یا دست سادات که در این صورت مطلوبیت دارد» (تبریزی، بی تا: ۵۰۳/۱).

ج) آیت‌الله بهجت در پاسخ به این پرسش که بوسیدن لب محارم، همچون خاله یا خواهرزاده یا فرزند چه حکمی دارد، فرموده‌اند: «اگر به قصد ریه نباشد، اشکال ندارد» (بهجت، ۱۴۲۸: ۲۰۰/۴)؛ نیز در پاسخ به این پرسش که در برخی مناطق هنگام دید و بازدید، رسم است که مردان لب مردان دیگر یا زنان لب زن‌های دیگر را می‌بوسند. اگر این عمل بدون قصد شهوت انجام شود، چه حکمی دارد، فرموده‌اند: «اشکال ندارد» (بهجت؛ ۱۴۲۸: ۲۰۰/۴).

۶. ناهمگونی سرفصل‌ها

چنان‌که در بند یکم (کاستی در اصطلاح‌پژوهی معاشرت) گذشت، بر اثر ضعف پژوهش‌های پیشین در معناشناسی معاشرت و ناشناخته ماندن گوهر معنا و مقومات مفهومی واژه معاشرت و عدم مرزبندی آن با مفاهیمی همچون «أخوت» (برادری) و «خُلّت» (دوستی)، همچنین در دست نبودن تعریفی دقیق از تعبیر «آداب و اخلاق معاشرت»، سرفصل‌های مباحثی که نگارندگان اخلاق معاشرت در کتب خود آورده‌اند، بسیار متفاوت و ناهمگون و غیرجامع هستند؛ برای مثال، عناوین و سرفصل‌های برخی نگاشته‌ها درباره آداب معاشرت را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم.

الف) عناوین باب‌هایی که در «کتاب العِشْرَه»/اصول کافی کلینی آمده‌اند: واجبات و وظایف در معاشرت، حُسن معاشرت، شایستگیان و ناشایستگیان دوستی و همنشینی، دوست داشتن مردم، سلام کردن، چشم‌پوشی و تغافل، عطسه و تسمیت (دعا) برای عطسه‌کننده، بزرگداشت بزرگسالان، حق تازه‌وارد و مهمان، رازداری در مجالس، نجوا و درگوشی سخن گفتن در مجلس، بایسته‌ها و نبایسته‌های نشستن در مجالس، شوخی و خنده، حق همسایه، حق همسفر، نامه‌نگاری، سوزاندن برگه‌های حاوی نام‌ها و کلمات مقدس.

ب) عناوین آدابی که در کتاب/احیاء علوم الدین غزالی، در «کتاب آداب الألفة و الأخوة و الصحبة و المعاشرة مع أصناف الخلق» آمده‌اند. وی آداب معاشرت را در یک دسته‌بندی کلی پنج دسته می‌کند: حقوق المسلم؛ حقوق الجوار؛ حقوق الاقارب و الرحم؛ حقوق الوالدین و الولد؛ حقوق المملوک (غزالی، بی تا: ۱۰۴۲-۹۹۳/۲)؛ و در دسته «حقوق المسلم» ۲۵ حق و

ادب معاشرت را بدین شرح بیان کرده است: برای مؤمنان همان را دوست بدارد که برای خود دوست می‌دارد؛ آزار نرساندن به مسلمانان؛ پرهیز از سخن چینی؛ طول ندادن قهر و جدایی بیش از سه روز؛ احسان به دیگران در حد توان؛ اجازه ورود گرفتن هنگام وارد شدن بر دیگران؛ برخورد با همگان با اخلاق خوب؛ بزرگداشت سالمندان و مهربانی با کودکان؛ برخورد با همگان با گشاده‌رویی و رفق و مدارا؛ وفا کردن به وعده‌ها؛ انصاف در تعامل با دیگران؛ احترام بیشتر به شخصیت‌ها؛ اصلاح ذات‌البین؛ پوشاندن عیوب و زشتی‌های دیگران؛ پرهیز از مواضع تهمت؛ شفاعت برای نیازمندان نزد منزلت‌داران؛ شروع کردن به سلام پیش از سخن گفتن و مصافحه هنگام سلام؛ مصون داشتن عرض و جان و مال مسلمانان از ستم در حد توان؛ تسمیت (دعا) برای عطسه‌کننده؛ مدارا و تحمل در برابر بدرفتاری شرووران؛ خودداری از معاشرت و دوستی با توانگران و همنشینی کردن با تهیدستان؛ خیرخواهی برای مسلمانان و شاد کردن دل آنان؛ عیادت بیماران؛ تشییع جنازه مردگان؛ زیارت قبور مؤمنان (غزالی، بی تا: ۹۹۴/۲-۱۰۲۷).

ج) عناوین آدابی که در کتاب/اخلاق در قرآن استاد مصباح آمده‌اند: سلام کردن و انس گرفتن؛ جواب دادن به سلام؛ اجازه ورود خواستن؛ غذا خوردن در خانه دیگران؛ جادادن به تازه‌وارد در مجلس؛ شنیدن و تحمل سخن دیگران؛ نجوا و سخن درگوشی؛ رعایت آداب ویژه پیامبر ﷺ (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۴۵/۳-۲۸۲).

آیت‌الله مصباح بخش بسیار اندکی از آداب معاشرت (نه ادب) را در فصل نهم جلد سوم کتاب/اخلاق در قرآن آورده است. کم‌شمار بودن آداب یادشده در کتاب، از آن روست که از یک سو موضوع کتاب، بررسی معارف قرآنی است و طرح مباحث و آداب یادشده در روایات معصومان علیهم‌السلام در این کتاب خروج موضوعی دارد. از سوی دیگر، گویا تلقی استاد مصباح از معاشرت، تعامل با خصوص کسانی است که در محیطی مانند خانه با یکدیگر ملاقات می‌کنند. از این رو، حتی بایسته‌های اخلاقی قرآنی، مانند عدالت اجتماعی، اصلاح میان مردم، احسان به دیگران، وفای به عهد و پیمان، امانت‌داری، حفظ آبرو و صیانت از شخصیت دیگران، آداب سخن گفتن و سخن شنیدن و عفو و اغماض و نیز نبایسته‌های

اخلاقی قرآنی، مانند بدگمانی، تجسس، غیبت، استهزا و تمسخر و خودخواهی را که در دیگر فصول بیانگر اخلاق اجتماعی در همین جلد آمده‌اند، در فصل نهم که عنوان «آداب معاشرت» دارد، نیآورده است.

د) عناوین آدابی که در کتاب معاشرت، اثر استاد حسین انصاریان آمده‌اند: ارزش رفاقت صحیح؛ همنشینان پاک و ناپاک؛ دوستی و معاشرت با اهل بیت علیهم‌السلام؛ همنشینی با بندگان صالح؛ حقوق رفاقت و معاشرت؛ الگوهای والای معاشرت. نگاهی گذرا به عناوین و سرفصل‌های این چهار کتاب، به‌خوبی نشان‌دهنده ناهمگونی آن‌هاست.

گفتنی است که علاوه بر ناهمگونی سرفصل‌های موجود در نگاشته‌های بررسی شده، جامعیت مباحث آداب معاشرت در آن‌ها نیز دچار اشکال است؛ چنان‌که در کتاب العشره اصول کافی از آداب تعامل با «همسایه» و «همسفر» سخن به میان آمده است؛ ولی آداب «میزبانی و مهمانی» که از مهم‌ترین بخش‌های آداب معاشرت است، سخنی به میان نیامده است و تنها یک باب، آن هم با یک حدیث با عنوان «حق الداخل» درباره تازه‌وارد آمده است (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۵۹/۲)؛ نیز به مبحث بسیار مهم چگونگی معاشرت با نامحرمان نپرداخته و تنها پس از گشودن چند باب درباره سلام کردن، حتی درباره سلام کردن به اهل کتاب، بابی با عنوان «بَابُ التَّسْلِيمِ عَلَى النِّسَاءِ» آورده که تنها یک حدیث درباره سلام کردن به بانوان در آن آمده است (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۴۸/۲). در دیگر آثار معاشرت‌پژوهی بررسی شده نیز درباره مبحث بسیار مهم معاشرت با نامحرمان، باب و فصل و مبحثی نیامده است (احمدپور، ۱۳۸۵: ۳۷۲).

از کمبودهای کتاب مفاتیح الحیات علامه جوادی آملی نیز این است که گرچه مبحثی را به تعامل با مهمان اختصاص داده (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۸۰-۳۸۹)، «تعامل با میزبان» که همانند تعامل با مهمان، آداب فراوانی (دست‌کم هفده ادب) دارد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۸-۴۵)، مغفول مانده است.

۷. بی‌توجهی به مسائل مستحدث آداب معاشرت

در روزگار معاصر، با پیشرفت تکنولوژی، فضای مجازی به عنوان عرصه‌ای نو برای شکل جدیدی از ارتباط با دیگران ایجاد شده است که به صورت الکترونیکی و با سرعت، جایگزین ارتباط‌های سنتی می‌شود. با رواج و گسترش این فضا، افراد در هر زمان و مکان به راحتی می‌توانند از مزایای آن بهره‌مند شوند؛ چنان‌که ممکن است به آسیب‌های آن گرفتار شوند. به تبع پیدایش و گسترش این فضا، مباحثی مستحدث، مانند فقه رسانه‌ای، حقوق رسانه‌ای و اخلاق رسانه‌ای در عرصه پژوهش‌های دینی پدید آمده‌اند. بر این اساس، امروزه با گشوده شدن فضای مجازی و با توجه به برخی تفاوت‌های آن با فضای حقیقی و فیزیکی، در برخی احکام فقهی و اخلاقی، نیازمند رویکردی جدید به احکام و آداب تعامل با دیگران در فضای مجازی هستیم که نگاهی‌های معاشرت‌محور معاصر چنین رویکردی ندارند. البته در زمان پژوهش و نگارش آثار متعلق به سده‌ها و حتی دهه‌های پیشین اصلاً فضای مجازی به شکل کنونی آن وجود نداشته و در دوران معاصر نیز در کتب آداب معاشرت به آن توجه نشده است.

معاشرت، همان‌گونه که در فضای واقعی تحقق می‌یابد، در فضای مجازی نیز مطرح است و می‌توان گفت گرچه برخی موارد اخلاق و آداب معاشرت، ویژه فضای واقعی‌اند، مانند مصافحه، معانقه، روبوسی و رعایت آداب نشستن در جلسات که در فضای مجازی جایگاهی ندارند، بسیاری از موارد اخلاق و آداب معاشرت، مشترک میان این دو محیط هستند؛ مانند لزوم امر به معروف و نهی از منکر، رعایت ادب در گفتار و خودداری از سخن ناروا و ناپسند، حفظ حریم شرعی با نامحرمان و لزوم احترام به سالمندان؛ همچنین برخی موارد ممکن است ویژه فضای مجازی باشند؛ مانند به اشتراک گذاشتن عکس و متن و مانند آن‌ها، چنان‌که بررسی حکم فقهی استفاده از فیلترشکن، از احکام فقهی ویژه فضای مجازی است که در فقه قابل بررسی است. از این رو، لازم است پژوهشگران و نگارندگان آداب معاشرت به این فضا نیز توجه کنند.

چنان‌که گذشت، فضای مجازی از یک سو فرصت‌هایی را در اختیار استفاده‌کنندگان از این فضا نهاده و از سوی دیگر، با تهدیدهایی همراه است؛ تهدیدهایی مانند به خطر افتادن

امنیت اخلاقی افراد و خانواده‌ها بر اثر عدم رعایت اخلاق و آداب معاشرت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی. به نمونه‌هایی از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری که در عصر کنونی با گسترش فضای مجازی توسعه فراوانی یافته‌اند، اشاره می‌کنیم: استفاده از فیلترشکن و ورود به سایت‌های ضد اخلاق و ویرانگر عقیده و اخلاق؛ شیوع هرزه‌نگاری، هرزه‌بینی و هرزه‌گردی کاربران؛ عدم رعایت عفت جنسی در ارتباط‌های صمیمی با نامحرمان؛ نشر دروغ و گزارش‌های نامستند؛ ارسال پیام‌ها و لطیفه‌هایی که مقدسات دینی را به تمسخر می‌گیرند؛ افشای اسرار دیگران از راه به اشتراک گذاشتن هر مطلب و متنی؛ ارسال و نشر مطالب خلاف اخلاق؛ نقل و اشاعه شایعات سیاسی و فرهنگی؛ و حتی افزودن افراد به گروه‌های مجازی بدون اجازه و هماهنگی با آنان.

محور دوم: کاستی‌ها در ارائه اطلاعات پژوهش‌شده

۱. کاستی در طبقه‌بندی اطلاعات

افزون بر کاستی چشمگیر در همگونی سرفصل‌ها و جامعیت در نگاشته‌های معاشرت‌محور که در بند ششم مبحث پیشین گذشت، اطلاعات گردآوری‌شده درباره معاشرت نیز به درستی طبقه‌بندی نشده‌اند و دسته‌بندی‌ها با اشکالات فراوانی روبه‌رو هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

کلینی در جلد دوم/اصول کافی احادیث اخلاقی را بر اساس موضوع تفکیک کرده و احادیثی را که دارای موضوع مشترکی بوده، ذیل یک «باب» گرد آورده و برای هر باب عنوانی نهاده است. وی گرچه کوشیده تا ساختار منظمی برای مباحث اخلاق اجتماعی ایجاد کند و بیشتر آن‌ها را در «کتاب الایمان و الکفر» و «کتاب العِشره» گرد آورده، طبقه‌بندی عناوین، دقیق نیست و گاه درهم آمیخته است؛ برای مثال، به برخی از آمیختگی‌ها اشاره می‌شود.

الف) برخی آداب معاشرت به جای آن‌که در کتاب العِشره بیابند، در کتاب الایمان و الکفر آمده‌اند؛ مانند باب‌های «دیدار با برادران دینی» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۷۶/۲)، «مصافحه (دست دادن)» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۷۹/۲)، «معانقه (در آغوش گرفتن)» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۸۳/۲)، و «تقبیل (بوسیدن)» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۸۵/۲)؛ همچنین برخی باب‌ها تناسب بیشتری با کتاب العِشره

دارند و در کتاب الایمان و الکفر آمده‌اند؛ مانند «حُسن البِشر (گشاده‌روی)» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۰۳/۲)، «صدق و ادای امانت» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۰۴/۲)، «مدارا» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۱۸/۲)، «تواضع» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۲۱/۲)، «صله رحم» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۵۰/۲)، «شادکردن مؤمنان» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۸۸/۲)، «برآوردن حاجت مؤمن» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۹۲/۲)، «زدودن غم مؤمنان» (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۹۸/۲)، «غذا دادن به مؤمن» (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۰۰/۲)، «لباس دادن به مؤمن» (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۰۴/۲)، «خیرخواهی برای مؤمنان» (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۰۸/۲)، «آشتی دادن و اصلاح میان مؤمنان» (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۰۹/۲).

ب) برخی از باب‌هایی که در کتاب العشره آمده‌اند، ربط روشنی با آداب معاشرت ندارند؛ برای مثال، «بَابُ النَّهْيِ عَنِ إِحْرَاقِ الْقَرَأِطِيسِ الْمَكْتُوبَةِ: نهی از سوزاندن برگه‌هایی که [نام‌ها و کلمات مقدس] بر آن‌ها نوشته شده» (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۷۳/۲). کلینی صرفاً از آن رو که باب پیشین درباره گفتن و نگارش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در نامه و غیرنامه بوده، این باب را در این جا گشوده است.

ج) در «بَابُ الْإِتِّكَاءِ وَ الْإِحْتِیَاءِ» (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۶۲/۲-۶۶۳) که درباره چگونگی نشستن است، پنج حدیث آورده که هیچ‌یک از آن‌ها تصریحی به چگونگی نشستن در مجالس و نزد معاشران ندارد، بلکه بیشتر درباره تکیه کردن در مسجد و مقابل کعبه است.

سَلَمَى نیز در کتاب *آداب الصحبة و حسن العشرة* بیش از نود ادب از آداب معاشرت را بیان کرده است، ولی دسته‌بندی معینی ندارد؛ برای مثال، وی می‌توانست آداب معاشرت را به گونه‌های زیر دسته‌بندی کند: (الف) بایسته‌ها و نبایسته‌های معاشرت؛ (ب) آداب معاشرت با خانواده و جامعه (همسایه، همکار، همسفر، همنشین، مهمان، و ...؛ و (ج) آداب اخلاقی و رفتاری معاشرت. تقسیم اخیر بر این اساس است که برخی از آداب یادشده در کتاب سَلَمَى امور رفتاری و بیرونی‌اند؛ مانند «ادب همراه نشدن جز با عالم یا خردمندِ بردبار پرهیزگار» (پورجوادی، ۱۳۶۹: ۷۳/۲) و برخی امور روحی و درونی‌اند؛ مانند «ادب حمل سخن و کار دیگران بر بهترین وجه و احتمال آن» (همان: ۷۷/۲)، یا «ادب دوری از کینه‌توزی و لزوم صفا و عفو از برادران» (همان: ۷۸/۲)، و «ادب تواضع و ترک تکبر» (همان: ۸۲/۲).

سلمی گاه چندین ادب ناهمگون از آداب معاشرت را در یک بند گرد آورده است که هر یک می تواند در بندی جداگانه و با دسته بندی منظمی ارائه شود؛ مانند «وَمِنْ آدَابِهَا بِشَاشَةِ الْوَجْهِ وَ لُطْفِ اللِّسَانِ وَ سَعَةِ الْقَلْبِ وَ بَسْطِ الْيَدِ وَ كَظْمِ الْغَيْظِ وَ إِسْقَاطِ الْكِبْرِ وَ مُلَازِمَةَ الْحُرْمَةِ وَ إِظْهَارُ الْفَرَحِ بِمَا رُزِقَ مِنْ عَشْرَتِهِ وَ إِخْوَانِهِ: از آداب معاشرت است گشاده رویی، لطافت در سخن گفتن، گشادگی سینه، گشاده دستی، فرو خوردن خشم، دوری از تکبر، رعایت احترام، اظهار شادمانی از معاشرت با دوستان و برادران» (همان: ۷۳/۲).

غزالی نیز آداب معاشرت را که بیشترین آن‌ها را ذیل عنوان عام «حقوق المسلم» و در قالب ۲۶ حق و ادب بیان کرده، ترتیب و دسته بندی خاصی ندارد؛ برای نمونه، پس از بیان شانزده ادب، در هفدهمین بند به تبیین «ادب سلام کردن و مصافحه (دست دادن)» که از نخستین آداب است، پرداخته (غزالی، بی تا: ۱۰۱۰/۲)؛ و سپس در چیدمانی ناهمگون، در بند هجدهم از «صیانت از آبرو و جان و مال مسلمانان از ستم» یاد کرده (همان: ۱۰۱۶/۲)؛ و در بند نوزدهم «تسمیت (دعا) برای عطسه کننده» را بیان کرده است (همان: ۱۰۱۷/۲). نیز آداب مربوط به هنگام دیدار و ملاقات با یکدیگر را در بندهایی پراکنده آورده است؛ چنان که «اجازه ورود گرفتن هنگام ملاقات» را در بند ششم (همان: ۹۹۸/۲)، «برخورد با دیگران با چهره گشاده و رفق و مدارا» را در بند نهم (همان: ۱۰۰۰/۲)، «سلام و مصافحه» را در بند هفدهم (غزالی، بی تا: ۱۰۱۰/۲)، «تسمیت (دعا کردن) برای عطسه کننده» را در بند نوزدهم (همان: ۱۰۱۷/۲)، و «همنشینی با تهیدستان» را در بند بیست و یکم آورده است (همان: ۱۰۱۹/۲).

از مهم ترین کاستی های اخلاق ناصری در مباحث آداب معاشرت در فصل های ششم و هفتم کتاب نیز فقدان دسته بندی منظم و منسجم است.

در میان آثار بررسی شده، بهترین و دقیق ترین طبقه بندی اطلاعات در کتاب مفاتیح الحیات علامه جوادی آملی یافت شد که با رفع برخی کاستی های جزئی، می تواند الگویی برای طبقه بندی در اطلاعات مبحث معاشرت باشد.

طبقه بندی پیشنهادی نگارنده در بخش پیشنهادات خواهد آمد.

۲. کاستی در توجه به قالب دایرةالمعارفی

«دایرةالمعارف» کتاب مرجعی است با ویژگی‌هایی مانند دربرگیری دانش روزآمد دربارهٔ یک رشتهٔ خاص علمی یا گروهی از رشته‌ها به منظور آسان کردن دسترسی به علوم، نظام‌یافتگی اطلاعاتِ گردآوری‌شده در قالب مقالات با نشر علمی و روزآمد، و چینش مقالات به ترتیب الفبایی نام مدخل (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳: ۲۸۱-۲۹). تاکنون رویکردی به دایرةالمعارف‌نگاری در مباحث معاشرت اسلامی نبوده و نگارش دایرةالمعارف در این مبحث، می‌تواند راه دسترسی آسان و سریع به اطلاعات جامع اسلامی در مبحث معاشرت را هموار کند؛ به گونه‌ای که پژوهشگران را از مراجعه به منابع فرعی بی‌نیاز کند و برای عموم مخاطبان دانش‌پژوه و علاقه‌مندان مطالعات دینی نیز مفید باشد.

نتیجه (چند راهکار پژوهشی)

برای رفع کاستی‌های پژوهشی یادشده در این مقاله، چند پیشنهاد پژوهشی ارائه می‌شود که به نظر می‌رسد با رعایت آن‌ها تحولی اساسی در پژوهش و نگارش آموزه‌های معاشرت محور رخ می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی و اصطلاح‌شناسی دقیق واژه «معاشرت» و بررسی معنای لغوی آن بر اساس جوامع لغوی کهن و معتبر و سپس اصطلاح‌شناسی آن با استفاده از تفاسیر قرآن کریم و منابع واژه‌پژوهی قرآنی و بررسی تفاوت آن با مفاهیمی مانند «مصاحبت»، «خُلّت»، «أُخُوّت»، و نیز تفاوت «اخلاق معاشرت» با «اخلاق اجتماعی» و «حقوق برادری».
۲. توجه ویژه به آموزه‌های قرآنی معاشرت و بهره‌گیری گسترده از آراء و تبیین‌ها و تحلیل‌های مفسران قرآن کریم، مانند علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در *المیزان* و آیت‌الله جوادی آملی در *تسنیم* در تفسیر آیات و سوره‌های معاشرت محور قرآن کریم. گفتنی است که اولاً چون قرآن کریم خطوط کلی معاشرت را یاد کرده، برای یافتن تفصیل و جزئیات آن‌ها باید به آموزه‌های روایی رجوع شود. ثانیاً چون بر پایهٔ روایات و رهنمودهای اهل بیت علیهم‌السلام، قرآن کریم میزان سنجش و ارزیابی روایات است (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۸/۱-۷۰)، با استخراج مباحث قرآنی معاشرت، زمینه و معیاری برای ارزیابی و تأیید روایات بیانگر

معاشرت نیز فراهم می‌شود.

۳. سندشناسی روایات بیانگر اخلاق و آداب معاشرت در یک اثر مستقل با عنوان «رجال روایات اخلاقی» همانند کتاب رجال تفسیری آیت‌الله جوادی و با الگوگیری از آن.

۴. پژوهش آموزه‌های معاشرت با رویکرد فقهی و استنباط احکام فقهی آن‌ها (احکام خمسۀ تکلیفیه: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه).

۵. تبیین اخلاق و آداب معاشرت در فضای مجازی و ارائه آن در اثری مستقل برای استفاده کاربران این فضا.

۶. طبقه‌بندی معارف و آموزه‌های معاشرت؛ طبقه‌بندی پیشنهادی نگارنده مقاله بدین شرح است: در معارف و آموزه‌های معاشرت، همانند بسیاری از دیگر شاخه‌های معارف اسلامی، آموزه‌ها دو دسته‌اند: برخی بسیار کلی، فراگیر و حاکم هستند و برخی ریز و زیرشاخه و جزئی‌اند؛ برای مثال، معروف‌مداری، احسان به دیگران، خیرخواهی برای دیگران، عدالت در گفتار و رفتار، احترام به جان و مال و آبروی دیگران، مهربانی و مدارا، صلح و آشتی، و وفاداری به عهدها و پیمان‌ها، از اصول کلی و فراگیر معاشرت هستند که هر یک، آدابی فرعی را زیر پوشش دارند؛ درحالی‌که آموزه‌هایی مانند دید و بازدید، اجازه گرفتن برای ورود به خانه دیگران، سلام و جواب سلام، مصافحه (دست دادن) و معانقه (در آغوش گرفتن) فرعی‌اند. ثانیاً دسته‌ای از آداب معاشرت از قبیل بایسته‌ها و فضایل اخلاقی‌اند و دسته‌ای دیگر از قبیل نبایسته‌ها و رذایل اخلاقی‌اند که باید تفکیک شوند. ثالثاً برخی از آداب معاشرت، همگانی‌اند و شایسته است در تعامل با همگان مراعات شوند؛ مانند سلام کردن و پاسخ سلام دادن؛ و برخی ویژه گروه‌هایی خاص هستند؛ مانند آداب میزبانی و مهمانی، آداب تعامل با سالمندان، همسایه‌داری و آداب عیادت از بیماران. بر این اساس، می‌توان مجموعه مباحث آداب معاشرت را در سه بخش اصلی ساماندهی کرد:

بخش یکم. اصول کلی حاکم بر معاشرت: این بخش، شامل مواردی مانند خدامحوری در دوستی و دشمنی، برادری دینی مؤمنان با یکدیگر، ولایت ایمانی و نظارت مؤمنان بر یکدیگر، معروف‌مداری، احسان و نیکوکاری، خیرخواهی (نصیحت)، عدالت در گفتار و

رفتار، احترام و صیانت نسبت به شخصیت دیگران، مهربانی و مدارا، رازداری، نظم و انضباط، فروتنی و تواضع، همدردی و دلسوزی، مواسات و ایثار، صداقت، خوش بینی، عفو و صفا، صلح و آشتی، وفاداری به عهد و پیمان و تعاون بر برّ و تقوا است.

بخش دوم. آداب معاشرتی مشترک: مراد از آداب مشترک، آداب همگانی است که شایسته است در تعامل با همگان مراعات شوند و خود به دو دسته «بایسته‌ها» و «نبایسته‌ها» قسمت پذیرند. بایسته‌ها مانند تحیت و پاسخ تحیت، سلام و جواب سلام، مصافحه، معانقه، روبوسی، احوالپرسی، خوش رویی و گشاده رویی، خوش‌زبانی، شوخی و خنده و تبسم، آداب نشستن در مجالس، پاکیزگی و آراستگی، شادکردن مؤمن، دفاع از برادر مؤمن، صداقت و یکرنگی، آزمودن معاشر، تغافل (تظاهر به بی‌خبری) و قدردانی و سپاسگزاری.

نبایسته‌ها مانند اختلاف و تفرقه و فخر و جدایی، گوشه‌گیری، کینه‌ورزی، دشمنی و انتقام، خشونت، تحقیر و توهین، هتک حرمت، استهزا، تنها گذاشتن و خوارکردن، بی‌تفاوتی در برابر نیازها، ترش رویی و اخم، بی‌توجهی به سخن دیگران، آزارسانی، غیبت، تهمت و افترا، همکاری در گناه، نجوای گناه‌آمیز، بخل، تبعیض، تجسس، تکبر، فخرفروشی، دروغ، خیانت، خودخواهی، خودرایی، بدبینی، سخن زشت، ستمگری، عیب‌جویی، بدگویی، بدگمانی، منت‌گذاری، طعنه‌زدن، سرزنش بیجا، بریدن سخن دیگران، پیمان‌شکنی، ناسپاسی، ژولیدگی و افشاگری.

بخش سوم. آداب معاشرت با گروه‌های خاص مانند معصومان علیهم‌السلام، همنشینان، همسایگان، سالمندان، جوانان، کودکان و خردسالان، مهمانان، میزبانان، همکاران، همسفران، همشهریان، حاکمان، استادان، شاگردان، نامحرمان، بیماران و مردگان.

۷. ارائه آموزه‌های معاشرت در قالب دایرةالمعارف برای آسان‌یاب کردن مباحث. برای تحقق این هدف، ابتدا باید همه مدخل‌های اصلی و ارجاعی مبحث معاشرت شناسایی شوند. سپس با نگارش شناسه‌ای کوتاه، قلمرو مدخل مشخص شود. سپس مقاله‌ای جامع و مانع و دربردارنده همه معارف قرآنی و روایی معاشرت با رعایت اصول، قواعد و شاخص‌های دانشنامه‌نگاری تحقیق و نگارش شده و با توجه به مدخل، هر مقاله در جایگاه الفبایی خود نهاده شود.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم.
۲. ابن فارس، احمد (بی تا)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، چاپ اول.
۳. احسایی، محمد بن علی (۱۴۰۳)، *عوالی اللغالی*، به کوشش: مجتبی عراقی، انتشارات سیدالشهداء، قم.
۴. احمد پور، مهدی (۱۳۸۵)، *کتاب شناخت اخلاق اسلامی*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم، قم، چاپ اول.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، دار الاضواء، بیروت.
۶. انصاریان، حسین (۱۳۸۶)، *عرفان اسلامی*، تحقیق: محمد جواد صابریان، دار العرفان، قم.
۷. _____ (۱۳۸۸)، *معاشرت*، تحقیق: محمد جواد صابریان و آرش مردانی پور، دار العرفان، قم، چاپ چهارم.
۸. انوری، حسن؛ و دیگران (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، انتشارات سخن، تهران.
۹. بابایی، علی اکبر (۱۳۸۶)، *مکاتب تفسیری*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، قم، چاپ اول.
۱۰. بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸)، *استفتاءات*، دفتر حضرت آیت الله بهجت، قم، چاپ اول.
۱۱. پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۹)، *مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی*، «کتاب آداب الصحبة و حسن العشرة»، نشر دانشگاهی تهران، چاپ دوم.
۱۲. تبریزی، جواد بن علی (بی تا)، *استفتائات جدید*، قم، چاپ اول.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، *ادب فنای مقرران شرح زیارت جامعه کبیره*، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول.
۱۴. _____ (۱۳۸۵ الف)، *تسنیم*، ج ۱، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول.
۱۵. _____ (۱۳۸۵ ب)، *تسنیم*، ج ۵، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ سوم.

۱۶. _____ (۱۳۸۸)، *تسنیم*، ج ۱۸، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول.
۱۷. _____ (۱۳۹۴)، *مفاتیح الحیات*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ یکصد و نود و سوم.
۱۸. _____ (۱۳۹۸)، *تسنیم*، ج ۵۰، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶)، *مقدمة الأدب*، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷)، *الفهرست*، به کوشش: قیومی، نشر الفقاهه، قم.
۲۱. طوسی، خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن محمد بن محمد بن حسن (۱۳۶۹)، *اخلاق ناصری*، تحقیق: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ چهارم.
۲۲. علامه طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، اعلمی، بیروت.
۲۳. عیسی زاده، عیسی (۱۳۹۷)، *مهمانی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول.
۲۴. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (بی تا)، *احیاء علوم الدین*، «کتاب آداب الألفة و الأخوة و الصحبة و المعاشرة مع أصناف الخلق»، دار الکتب العربی، بیروت.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، *الکافی*، به کوشش: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، تهران.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۹)، *حلیة المتقین*، لقمان، قم.
۲۷. _____ (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۳)، *دائرة المعارف قرآن کریم*، مؤسسه بوستان کتاب قم، قم، چاپ دوم.
۲۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷)، *معارف قرآن*، مؤسسه در راه حق، قم، چاپ اول.
۳۰. _____ (۱۳۷۸)، *اخلاق در قرآن*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ اول.

۳۱. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، *النحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، بیروت - قاهره - لندن، چاپ سوم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، *اخلاق در قرآن*، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ چهارم.
۳۳. _____ (۱۴۲۷)، *استفتائات جدید*، تحقیق: ابوالقاسم علیان نژادی، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم.
۳۴. نجاشی (۱۴۱۸)، *الرجال*، به کوشش: شبیری زنجانی، نشر اسلامی، قم.